

قطعه نامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت و نتایج آن



شناسائی

جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و حوادث بعد از آن موجب ایجاد دوره جدیدی در تصادمات اعراب و اسرائیل شد. شروع این دوره دو ویژگی عمده در بر داشت که هر یک مسائل پیچیده‌ای را شامل می‌شد.

اول آنکه در یک ازدو ابر قدرت پی بردند که هر دوی آنها در منطقه خاور میانه دارای منافع حیاتی بوده و از ماحصل هر تصادم سهم بزرگی خواهند برد.

دوم آنکه در شناخت اعراب و اسرائیل یک تغییر اساسی بوجود آمد. این شناخت در نحوه برخورد آنها در تصادم از یک طرف و در شیوه برخورد آنها نسبت به یکدیگر از سوی دیگر است. (۱)

واقعه مهم این دوره جدید تصویب قطعنامه شماره ۲۴۲ است که بوسیله شورای امنیت در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ صورت گرفت (۲). احتمالاً این قطعنامه بدین سبب بوجود آمد که چهار چوب مسالمت آمیزی برای پایان بخشیدن به تصادم بین اعراب و اسرائیل فراهم آورد.

معانی عقب نشینی

به محض اینکه نتیجه جنگ ژوئن ۱۹۶۷ روشن شد تلاشهای دیپلماتیک برای پیدا کردن راه‌حلهائی جهت مشکلات جدید آغاز شد. این فعالیتهای دیپلماتیک در سطوح مختلف اعمال می‌شد. برای تبدیل صحنه جنگ خاورمیانه به یک میدان صلح بحثها و شورهای متعدد انجام گرفت و پیشنهادات و مصوبه‌های زیادی داده شد و مورد نظر قرار گرفت. به هر حال در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۶۷ بود که " لرد کاررادون " نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را پیشنهاد و عرضه داشت که این قطعنامه در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ به اتفاق آراء به تصویب شورای امنیت رسید و از آن تاریخ تاکنون از آن قطعنامه یا موافقتنامه به عنوان قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت یاد می‌شود و آنرا به عنوان یک دستورالعمل واقع بینانه و موازنه نامه کلی تلقی می‌کنند.

" آرتور گلدبرگ " سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد خاطر نشان ساخت که این قطعنامه نه تنها نتیجه مذاکرات حاضر بلکه نتیجه پنج ماه مشاوره فشرده بین اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت و طرفین ذینفع است، " گلدبرگ " اضافه کرد که قطعنامه شامل الهامات و راهنمائیها و کلیه پیشنهادات و مصوبه‌های مختلف بوده ولی همانطور که موازنه نشان می‌دهد به طور اخص نظرات و مفاهیم پیشنهادی کشورهای آمریکا لاتین را نیز در بر می‌گیرد. (۳)

در این قطعنامه شورای امنیت تصریح می‌کند که نیروهای مسلح اسرائیل باید از سرزمینهایی که در جنگهای اخیر اشغال کرده‌اند عقب نشینی کنند. علیرغم این بیان روشن مسئله عقب نشینی هنوز موضوع اصلی مباحثات جاری است.

پس از تسلیم قطعنامه " لرد کاررادون " اظهار داشت " قطعنامه خود گویا و صریح بیان شده و نیازی نیست که من به تشریح جزئیات بپردازم " (۴)، سپس او تاکید کرد ما در قطعنامه اصل عقب نشینی اسرائیل از سرزمینهایی را که در برخورد با اعراب بچنگ آورده است عنوان کرده و در مقدمه قطعنامه مجاز نبودن تصاحب سرزمینها توسط جنگ را موکداً قید کرده‌ایم و انتخاب کلمات و جمله بندیها در پیشنهادات با دقت انجام گرفته و کاملاً صریح است. (۵)

با وجود آنکه سفیر بریتانیا به وضوح پیشنهادات خود اطمینان داشت، سخنگویان مختلف عبارت عقب نشینی را به انحاء متضادی مورد تفسیر قرار دادند. این تفاسیر در

واقع اندکی قبل از تصویب قطعنامه شروع شده بود، "پارتاساراتی" نماینده هند خاطر نشان ساخت که:

به نظر ما قطعنامه‌ای که به تصویب شورای امنیت رسیده متضمن تحقق بخشیدن به اصل عقب نشینی کامل نیروهای اسرائیلی از کلیه سرزمینها، تکرار می‌کنم کلیه سرزمینهای اشغالی توسط اسرائیل در نتیجه برخوردی که در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۶۷ آغاز شد است. (۶) در رد این تفسیر آیابان وزیر خارجه اسرائیل اعلام داشت که "نماینده هند اکنون می‌خواهد مفاد قطعنامه را مطابق میل خود تفسیر کند. برای ما قطعنامه آنچه را بیان می‌دارد که در آن قید شده است، قطعنامه آنچه را که مخصوصا آگاهانه از ذکر آن اجتناب شده است.

در بر نمی‌گیرد". (۷) آیابان افزوده که به علاوه در اکثر زبانهای کلمات مبهم کلمات کوچک هستند و هر کلمه خواه بزرگ و خواه کوچک که در متن گنجانده نشده است وجود ندارد به این علت که به دلایل خاص واقعا" تصمیم به حذف آنها گرفته شده بوده است" (۸).

او اکیدا" مخالف خود را با این نظر که راه حل پایان دادن به تصادم اصل بازگشت به مواضع قبل از ۴ ژوئن ۱۹۶۷ است اعلام کرد و چنین افزود که ما معتقدیم که این نظریه هیچگونه پایه منطقی و معنوی بین‌المللی ندارد (۹).

لرد کارادون که نگران تطویل مناقشات و مایل به تصویب قطعنامه بود کرسی خطابه را در اختیار گرفته اظهار داشت:

"باید بگویم که قطعنامه پیشنهادی یک موازنه نامه‌کلی و جامع است. افزودن یا کاستن آن باعث می‌شود که به تعادل حدشه وارد آمده و موافقتهای وسیع و متعددی را که ما به آن رسیده‌ایم زایل سازد، بنابراین آنرا بطور جامع و همانطور که هست باید پذیرفت، تصور می‌کنم اکنون به مرحله‌ای رسیده‌ایم که با اکثریت نه اکثریت قاطع، قطعنامه را اراء کنیم که آن قطعنامه‌ای کلی و در عین حال جامع باشد" (۱۰).

کارادون در ادامه بیانات خود متذکر شد که از یک طرف عقیده داریم که کلمه بندی قطعنامه واضح است و از جانب دیگر هر یک از ما بدون تردید نظریات، تفاسیر و برداشتهای مخصوص به خود داریم" (۱۱).

فقط کشورهای مختلف نبودند که عمدا" از مفهوم عقب نشینی برداشتهای مختلف

داشته‌اند بلکه مقامات بالای کشور ایالات متحده نیز معانی متضادی به عبارت عقب نشینی منتسب کرده‌اند. در ۹ دسامبر ۱۹۶۹ در یک جلسه عمومی " ویلیام راجرز " وزیر امور خارجه سابق آمریکا از قطعنامه یک تفسیر آمریکائی بعمل آورده و درباره عقب نشینی چنین می گوید :

" قطعنامه شورای امنیت از اصل عدم تصاحب سرزمینها بوسیله جنگ "

" حمایت کرده و از اسرائیل می خواهد ، که از سرزمینهای که در "

" سال ۱۹۶۷ اشغال کرده عقب نشینی کند . ما از این قسمت قطعنامه "

" یعنی عقب نشینی پشتیبانی می کنیم بهمان طریق قسمتهای دیگر آنرا "

" پذیرا هستیم " (۱۲) .

چند ماه بعد " ژوزف سیکو " معاون وزارت خارجه در امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی تفسیر دیگری از عقب نشینی بعمل آورده اظهار می دارد که :

" قطعنامه عقب نشینی کامل را بیان نمی دارد و منظور از عقب نشینی در قطعنامه بازگشت به مرزهای قبل از ۵ ژوئن نیست بلکه در قطعنامه گفته شده است که طرفین متخاصم باید برای رسیدن به توافق در باره مسئله امنیت نهائی و سرحداتی شناخته شده مذاکره کنند " (۱۳) .

پس از آن مناقشات لفظی که لرد کارادون پیش بینی کرده و کوشیده بود که آنها را به حداقل برساند موضوع اصلی مباحثات گردید . همانطور که قبلا " هم اشاره شد مناقشات به گرد این مسئله دور می زد که آیا منظور از عقب نشینی . عقب نشینی کامل است یا عقب نشینی جزئی . عقب نشینی کامل یعنی بازگشت نیروهای اسرائیل به خطوط دفاعی ژوئن ۱۹۶۷ و عقب نشینی جزئی یعنی تعیین مرزهای جدید به وسیله طرفین . زمینه های متعددی در قطعنامه وجود دارد که بر اساس آنها می توان گفت منظور از عقب نشینی ، عقب نشینی کامل است :

اول آنکه در مقدمه قطعنامه شورای امنیت بر موضوع عدم تصرف سرزمینها بوسیله جنگ تاکید شده است ، بنابراین به موجب مقدمه ذکر شده این تصاحب غیر قابل قبول تعریف می شود زیرا واضح است که کلیه سرزمینهای اشاره شده در قطعنامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت در نتیجه جنگ ژوئن ۱۹۶۷ نصیب اسرائیل شده است .

شورای امنیت همچنین در پاراگراف یکم متن اصلی قطعنامه اصل احترام و شناسائی

تمامیت ارضی ، ثبات و استقلال سیاسی هر یک از ممالک منطقه را معتبر می‌شمارد هیچ کشوری نمی‌تواند بپذیرد که تمامیت ارضی و حاکمیتش مورد احترام و شناسایی قرار گرفته است در صورتی که کشور دیگری بزور ارضی آنرا اشغال کرده و از عقب‌نشینی نیز امتناع می‌ورزد . بنابراین از دست دادن همیشگی هر سرزمین از یک کشور و تصاحب آن بوسیله کشور دیگر که نمونه آنرا در نتیجه جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بین اعراب و اسرائیل می‌توان دید با مفاد قطعنامه شماره ۲۴۲ مغایرت دارد .

دوم آنکه سیاست بریتانیا ، کشور ارائه‌کننده قطعنامه ، بر این فرضیه مبتنی بود که بایستی عقب‌نشینی کامل باشد " جورج براون " (وزیر امور خارجه بریتانیا در آن هنگام) کمتر از دو ماه قبل از تصویب قطعنامه اظهار داشت که :

" بریتانیا توسل به جنگ را برای خاتمه دادن به اختلافات قبول نمی‌کند و نباید به یک کشور اجازه داد که در نتیجه یک جنگ به وسعت ارضی خود بیفزاید یعنی اسرائیل باید عقب‌نشینی کند و از طرف دیگر همسایگان اسرائیل حقانیت وجودی او را قبول کنند تا آن کشور بتواند به داشتن امنیت در محدوده خود اطمینان داشته باشد " (۱۴) .

سوم به نقل قول از " سرهارولد بیلی " یک انگلیسی‌سرشناس که تفسیری در روزنامه " تایمز لندن بعمل آورده می‌پردازیم :

" قطعنامه ، عقب‌نشینی از بخشی از سرزمینهای اشغالی و یا مقداری از سرزمینهای اشغالی را نمی‌خواهد زیرا که عبارت کامل عقب‌نشینی در قطعنامه به این ترتیب ذکر شده که باید نیروهای اسرائیلی از سرزمینهایی که در برخورد اخیر متصرف شده‌اند عقب‌نشینی کنند . در این صورت منظور کاملاً " روشن است " (۱۵)

چهارم ، از آنجاکه زبان فرانسه زبان رسمی سازمان ملل متحد است متن قطعنامه به زبان فرانسه می‌تواند کمکی مفید باشد . " آقای برارد " نماینده فرانسه در سازمان ملل متحد می‌گوید " که متن فرانسوی قطعنامه جایی برای هیچگونه ابهام باقی نگذارده است ، چون قطعنامه از عقب‌نشینی از اراضی اشغال شده 'des territoires occupés' صحبت می‌کند تفسیر کامل این مفهوم عبارت اراضی اشغال شده 'territories occupied' خواهد بود " . (۱۶)

نکات بالا روشن می‌دارد که منظور از عقب‌نشینی ، عقب‌نشینی کامل نیروهای

اسرائیلی از اراضی اشغال شده در جنگ ۱۹۶۷ است. به هر حال بن بست فعلی ، این واقعیت را ثابت می کند که تفسیر بالا را اکثریت نمی پذیرند . عقب نشینی بر این مبنا عقب نشینی جزئی تفسیر شده است که اسرائیل و ایالات متحده می کوشند به ابهام قطعنامه بیافزایند و بخصوص از عدم وجود حرف تعریف بخصوص قبل از کلمه سر زمینها "territories" در متن انگلیسی بهره برداری کنند .

اگر کسی قبول کند که منظور از عقب نشینی ، عقب نشینی جزئی است دو سؤال مربوط به هم پیش می آید و آن اینکه ، عقب نشینی جزئی تا چه حدی جزئی است و چه کسی می تواند حدود آنرا مشخص سازد ؟

تعاریف امنیت

حدود عقب نشینی هر چه که می خواهد باشد نمی تواند قطعیت یابد ، مگر آنکه کشورهای شرکت کننده درباره آن موافقت داشته باشند . اعراب بیشتر اوقات اعلام داشته اند که عقب نشینی اسرائیل از سر زمینهای اشغال شده باید عقب نشینی کامل باشد ، بعنوان مثال انور سادات رئیس جمهوری مصر در آن هنگام اعلام کرد که :

ما خواهان صلحیم ، ما صلح بر پایه عدالت را می خواهیم . شرط اول که مهمترین شرط امنیت است به این ترتیب بیان شده که باید کلیه سر زمینهای عربی که توسط اسرائیل در جنگ سال ۱۹۶۷ اشغال شده آزاد شود و حتی یک نفر هم در کشور ما وجود ندارد که موافقت کند فقط قسمتی از اراضی آزاد شود . آزادی فقط قسمتی از اراضی ، نوعی تسلیم است . (۱۷)

مفهوم عقب نشینی در نظر اعراب هر چه باشد در آن موقع کشورهای عربی قدرت لازم برای اعمال نظر خود را در اختیار نداشتند بنابراین تفاسیری که از طرف اسرائیل بعمل آمده ممکن است عامل اساسی در تعیین حدود عقب نشینی باشد .

اصول کلی ای که اسرائیل احتمالاً "بر مبنای آنها سیاست عقب نشینی خود را طرح ریزی خواهد کرد کدامند ؟ در همان ایام بعد از جنگ یعنی از نوامبر ۱۹۶۷ - آباابان سیاست کشور خود را که از آن یس هم بارها تکرار شده است به شرح زیر خلاصه کرد :

سیاست ما بر این اصل متکی است که آتش بس را کاملاً " برقرار سازیم . زمانی که پیمانهای صلح بین اسرائیل و کشورهای عرب به حالت جنگ خاتمه دهد ، آنگاه مرزهای

امن را تعیین کرده آنها را به رسمیت خواهیم شناخت . حق کشتی رانی در آبراههای بین‌المللی هم باید برای کلیه کشورها منجمله اسرائیل تضمین شود و از یک ثبات امنیت دو طرفه تضمین شده‌ای نیز برخوردار شویم . این سیاست ماست و هرگز تغییر نکرده و نخواهد کرد . (۱۸)

نکته اساسی در اظهارات "ابان" مسئله امنیت اسرائیل است . عین این موضوع بوسیله "گلدامیر" نخست‌وزیر سابق اسرائیل نیز در سخنرانی‌اش در Knesset یا پارلمان اسرائیل خاطر نشان شده . او تاکید کرد "موضوع اصلی در مذاکرات صلح تعیین مرزها است ، اسرائیل به حق خواهان سرحدات قابل دفاع و شناخته شده از دو طرف است و به خطوط ۴ ژوئن ۱۹۶۷ برنخواهد گشت . (۱۹)

لازم به تذکر نیست که هدف اصلی هر کشور حفظ امنیت خود است . بهر حال با در نظر گرفته مفهوم منافع ملی ، امنیت یک تعریف منطقی و معین نخواهد داشت . آن دسته‌ای که تصور می‌کنند که امنیت یعنی رسیدن به حد اعلای قدرت حتی از ابهام اصطلاحات بکار برده شده از طرف خود آگاهی ندارند (۲۰) . همانطور که یک متخصص برجسته علوم سیاسی اظهار داشته انسان نمی‌تواند بطور اتوماتیکی فرض کند که :

۱- امنیت مفهومی است که همراه با تعیین شرایط عینی مشخص باشد .

۲- ملل مختلف به توسط سیاست سازان خود برای رسیدن به یک امنیت مشخص

و معین کوشش می‌کنند . (۲۱)

مفهوم امنیت دو جنبه دارد : یکی شرایط عینی ، دیگری ، برداشتهای ذهنی . شرایط عینی امنیت عبارتند از : عوامل فیزیکی ، عینی ، و وضعیتی که حداقل الزامات برای تأمین امنیت کشور را معین می‌کند . برداشتهای ذهنی امنیت پدیده ایست روانی که ممکن است حتی با وجود شرایط عینی برای بقای موجودیت یک کشور ، وجود نداشته باشد . (۲۲)

تجزیه و تحلیل دقیقی از مسئله امنیت اسرائیل دو مسئله مرتبط بهم را مطرح خواهد ساخت :

اول ارتباط بین شرایط عینی و برداشتهای ذهنی امنیت .
دوم ارتباط بین برداشتهای آن کشور از مسئله امنیت با تمامیت ارضی کشورهای عربی .

اسرائیل در کوششهای خود برای رسیدن به حد اعلاى امنیت با معمائی روبرو شده است . موضع گیری اسرائیل در مقابل اعراب بر این پایه گذارده شده است که اعراب قصد نابودی آن کشور را دارند . تقویت دائم و قبول همیشگی این موضع گیری سبب شده که برای آنها داشتن احساس امنیت بسیار مشکل باشد . در نتیجه اسرائیل کوششهای خود را روی مسئله رسیدن به حداکثر شرایط عینی موجود برای امنیت متمرکز کرده است (مثلا " ابقای برتری نظامی ، توسعه مرزهای خود به موقعیتهای دفاعی بهتر و ازدیاد کنترل خود در اراضی اشغال شده اعراب) . اما همانطوریکه آقای چارلز یوست Charles Yost سفیر پیشین ایالات متحده در سازمان ملل اظهار داشت برای اسرائیلیها این افسانه است که تصور کنند تعیین مرزهای استراتژیکی و قدرت نظامی بیشتر از یک ضمانت که تمام ملتها با آن موافقت کرده اند می تواند حافظ امنیت دائمی اسرائیل باشد . (۲۳)

عین این اظهارات از مصاحبه اخیر دیوید بن گوریون نتیجه گیری می شود . او می گوید : " از نظر تامین امنیت ، مرزهای نظامی قابل دفاع که مطابق دلخواه ما باشد ، نمی تواند آینده ما را تضمین کند ، صلح واقعی با همسایگان عرب خود و دوستی و اعتماد متقابل ، ضامن امنیت حقیقی است " (۲۴)

اظطراب اسرائیلیها از عوامل موقعیتی و فیزیکی خود برای حفظ امنیت باعث ترس و نگرانی در کشورهای همسایه اش شده زیرا اسرائیل به دلایل ذکر شده برای حفظ موقعیت خود خواهان دست اندازی به ممالک همسایه است . برای آنکه اسرائیل از احساس امنیت برخوردار باشد باید کشورهای عربی و همسایه اش به موقعیت عدم امنیت و برهم خوردن تمامیت ارضی خود تن در دهند و از آنجائیکه قبول این شرایط برای کشورهای عربی غیر قابل قبول است اسرائیل از آنها برای ادامه تهدیدهای خود بهره برداری می کند . بنابراین ، به علت تناقض گوییها مسئله امنیت اسرائیل نامتعادل و نامعلوم مانده است .

بر اساس تجزیه و تحلیل فوق واضح است که اسرائیل مسئله عقب نشینی را بصورت عقب نشینی جزئی تعبیر می کند که حدود آن باید در آینده تعیین شود . اگر قرار باشد که سرحدات عقب نشینی بوسیله مذاکره یا از طریق اعمال فشار مشخص شوند باید از خود سؤال کنیم که آیا واقعا " برای پایان دادن به تصادم به قطعنامه شماره ۲۴۲ نیاز

بود ؟ برای اینکه اگر روابط بین کشورهای عرب و اسرائیل به مرحله‌ای برسد که برخورد بین آنها بوسیله مذاکرات خاتمه یابد آنگاه قطعنامه شماره ۲۴۲ بی‌پایان بوده و فقط برای برقراری آرامش بین دو طرف نقطه شروعی خواهد بود . بهمان ترتیب اگر آرامش از طریق اعمال فشار عاید شود آنگاه قطعنامه نیز بی ربط خواهد بود ، بنابراین برای آنکه قطعنامه شماره ۲۴۲ واقعا " و بطور موثر پایه " شروع مذاکرات اساسی برای پایان دادن به مخاصمات اعراب و اسرائیل باشد باید منظور از عقب نشینی (۲۵) عقب نشینی کامل تلقی شود .

مالکیت

گلداماير نخست‌وزیر سابق اسرائیل در یکی از سخنرانی‌های دوران تصدی‌اش در پارلمان بدون اشاره به قطعنامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت به آشتی‌پذیری اسرائیل اشاره کرده اعلام داشت که شرم‌الشیخ تنها راه زمینی دسترسی به " ایلات " ، اورشلیم و ارتفاعات جولان در دست اسرائیل باقی خواهد ماند (۲۶) . اصرار اسرائیلیها روی تغییر یکجانبه مفهوم عقب‌نشینی و تفسیر آن به عقب نشینی جزئی باعث بوجود آمدن سه موضوع اساسی و مورد بحث گردیده است :

اول ، اینکه اسرائیلیها بین خود نیز بحثهای عمده‌ای را ادامه میدهند که آشکارا دیده می‌شود که اختلاف نظرهای عمیق بین محافل مختلف منجمله بین مقامات عالی‌رتبه دولت وجود دارد . این اختلافات روی نقشه پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ در روابط آن با کشورهای عرب دور می‌زند . برداشتهای متفاوت از مفاهیم صلح و امنیت و توسعه اراضی باعث پیچیده‌تر شدن و سست‌گشتن پایه مذاکرات داخلی در اسرائیل گردیده است . در اسرائیل تعداد محدودی هستند که صلح با همسایگان را هدف اصلی می‌دانند . این موضوع را " دیوید بن گروبیون " نخست‌وزیر پیشین در یکی از مصاحبه‌های آخرین روزهای دوران زندگی‌اش با روزنامه ساتردی ریویو خلاصه کرده گفت : " صلح ، یعنی صلح واقعی ، اکنون نیاز اولیه ما را تشکیل می‌دهد " و اضافه کرد که " هر نوع فداکاری برای رسیدن به صلح ارزش دارد . برای رسیدن به صلح ما باید به مرزهای قبل از ۱۹۶۷ برگردیم " . سیاستمدار کهنسال اسرائیل افزود : " سینا ، شرم‌الشیخ ، غزه و ساحل غربی همه را کنار بگذارید ، صلح از مالکیت اهمیت بیشتری دارد ، ما به اراضی احتیاجی نداریم " . (۲۷)

این نظریه بهر حال از طرف آنهائیکه عقیده دارند هیچ چیز نمی تواند مهم تر از مرزهای امن و قابل دفاع باشد بی اهمیت تلقی می شود . این موضوع بارها توسط مقامات عالی رتبه اسرائیل بیان شده است . مثلاً " ایگال آلون Ygal Allon در یکی از سخنرانی های خود برای سازمان جوانان حزب کارگر حاکم در اسرائیل اظهار داشت : "هیچیک از پیشرفتهای حاصله جدید در تکنولوژی نظامی نمی تواند منکر اهمیت مواضع جغرافیائی قابل دفاع باشد . ما باید از داشتن مرزهای امنی که از یک حمله ناگهانی ممانعت کند مطمئن باشیم . هیچ راه دیگری برای برقراری صلح و داشتن سرحدات امن که با نیروهای خودمان قابل دفاع باشد وجود ندارد (۲۸) ."

گروه سومی نیز در مذاکرات داخلی اسرائیل شرکت دارند که عبارتند از حزب گاهال Gahal و حزب ملی مذهبی National Religious Party که اصرار دارند قسمتی از اراضی ، اگر نه همه آنها ، نگاهداری شود . طی بحث داعمی که در پارلمان اسرائیل در سال ۱۹۷۰ در جواب انتشار مصاحبه گلدامایر نخست وزیر سابق با روزنامه تایمز لندن در جریان بود ، آقای مناهم بن گین Menachem Begin یکی از رهبران گاهال که شعار آن "ال شعال" به معنای " حتی یک قدم نه " اعلام کرد ، شما دارید سرزمینهای میهن ما را به فاتحین خارجی برمی گردانید (۲۹) . ژاکرافائل سخنگوی حزب ملی مذهبی در پاسخ همان مصاحبه در پارلمان مجدداً خاطر نشان ساخت که برنامه انتخاباتی حزب حفظ اراضی اشغالی می باشد . وزیرای حزب هرگز مرزهایی را که جود یا وساماریا را در بر نمی گیرد بر رسمیت نخواهد شناخت (۳۰)

صلح یا شرم الشیخ

در حالیکه دولت اسرائیل آشکارا دم از صلح می زد خواهان ادامه تصرف اراضی اشغالی بود که در سال ۱۹۶۷ بتصرفش در آمده بود و آنرا برای وجود صلح در خاور میانه لازم می دانست . این دوگانگی چندین بار در نظریات موشه دایان مشاهده شد . او اظهار داشته بود که اگر قرار باشد بین صلح یا شرم الشیخ یکی را انتخاب کند او دومی را بر خواهد گزید و از نظر توسعه اراضی دایان قبلاً در موقعیتی گفته بود که : " پدران ما به سرحداتی که در طرح تقسیم بندی تعیین شده بود رسیدند نسل ما به مرزهای ۱۹۴۹ رسید و نسل شش روزه حاضر توانسته به سوئز ، اردن و ارتفاعات جولان دسترسی یابد . این خاتمه کار نیست ، پس از برقراری آتش بس در خطوط

فعلی سرزمینهای جدیدی بدست خواهیم آورد. سرحدات ممکن است تا ماورای اردن و شاید لبنان و سوریه مرکزی کشانده شود. " (۳۱)

طرح راجرز که برای اولین بار طی سخنرانی او در ۹ دسامبر ۱۹۶۹ عنوان شد باعث بوجود آمدن بحث‌های بعدی گردید. این بحث‌ها که همچنان بین ایالات متحده و اسرائیل ادامه داشت مربوط به خطوط عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل از اراضی اشغال شده بود. لازم به تذکر نیست که زمامداران اسرائیل مایل به توسعه سرزمینهای خود بودند و کرارا " مخالفت شدید خود را با طرح راجرز صریحا " اعلام داشتند. ضمن مذاکراتی که در نوامبر سال ۱۹۷۱ بین آباابان و دولت آمریکا انجام شد اسرائیل از دولت نیکسون خواست که در مورد استرداد اراضی سکوت اختیار کند. عبارت دیگر اسرائیل می‌خواست طرح راجرز را که در دسامبر ۱۹۶۹ پیشنهاد شده بود و خواهان عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل به مرزهای قبل از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ بود، رد کند (۳۲) اگر چه همواره مصر تمایل خود را برای امضای قرارداد صلح با اسرائیل نشان داده بود.

بروز اختلاف نظرهایی بین ایالات متحده، ابر قدرتی که منافع آن از منافع ملی هر کشور دیگری در منطقه خاورمیانه بیشتر است، با اسرائیل که نگران منافع ملی خود می‌باشد، اجتناب ناپذیر است. عبارت دیگر همانطور که موشه‌دایان، در سخنرانی خود در مؤسسه وایزمن Weizman Institute اظهار داشت اگر چه ایالات متحده امیدوار است به تصادم‌های موجود خاتمه بخشد و در ضمن برای امنیت اسرائیل نیز اهمیت قائل است با وجود این راسا " دارای منافی در منطقه بوده و خواهان بهبود روابط تیره خود با اعراب نیز هست. (۳۳)

دز آن زمان امریکاییها به اسرائیلیها می‌گفتند " به ما اعتماد داشته‌باشید " و اسرائیلیها پاسخ می‌دادند. " ما به هیچکس جز خودمان اطمینان نداریم " آباابان بعد از مذاکرات خود با مقامات آمریکائی گفت " علیرغم پاره‌ای اختلافات، ایالات متحده و اسرائیل هنوز هم منافع مشترکی دارند و من تصور می‌کنم که این منافع بیش از اختلافات اشاره شده ارزش دارند ". (۳۴) بهر حال مسئله مهم این است که آیا این منافع مشترک بین دو کشور به آن اندازه اهمیت دارند که باقی ماندن بحران فعلی و عدم موافقتها را تحت الشعاع خود قرار دهند و یا سیاستمداران آمریکائی

به مرحله‌ای خواهند رسید که اسرائیل را مانعی در راه رسیدن به ثبات و پایان دادن به منازعات دانسته و همچنین اسرائیل را خطری برای منافع خود در منطقه بدانند.

بحث سوم در ایالات متحده بین افراد و گروههاییکه مدافع اسرائیل هستند از یکطرف و طرفداران طرح راجرز از سوی دیگر در گرفت. بحث کوتاهی در این زمینه ضمن تشریح مسئله خاورمیانه در سنای آمریکا رخ داد و ضمن این گفتگو گروهی از سناتورهای طرفدار اسرائیل طرح راجرز را مورد حمله قرار دادند و از عقب نشینی اسرائیل از مناطق اشغال شده انتقاد و از باقیماندن اسرائیل در مواضع خود حمایت کردند (۳۵). سناتور ژاکوب جاویتز Jacob Javits بطرح راجرز اشاره کرده و آنرا نوعی دیپلماسی معمول در سیاست قرن ۱۹ اروپا دانست. سناتور نیویورک، ژاکوب جاویتز همچنین ادامه داد " آنچه که اکنون بدان نیاز است و اسرائیل بدرستی آنرا مورد تاکید قرار داده عبارت است از مرزهای امن و شناخته شده که آن مرزهای جغرافیایی واقعا" در برقراری و تحکیم شرایط صلح و تیفه‌ای باشد نه آنکه باعث برهم زدن آن شود (۳۶). سناتور هنری جکسون نیز که مخالف طرح راجرز بود اظهار داشت من معتقدم که دولت اسرائیل بدرستی مخالفت خود را با این مسئله که ضمانت خارجی می تواند جانشین مرزهای قابل دفاع باشد اعلام کرده است، آنها نمی توانند وضعیت جغرافیایی را که بقای آنها بستگی به آن دارد رها کنند " (۳۷) اما در حمایت از طرح راجرز سناتور ویلیام فولبرایت نماینده سابق آرکانزاس چنین گفت:

" علت اصلی آنکه در مذاکرات برای خاتمه بخشیدن به این مسئله پیشرفتی حاصل نشده این است که اسرائیل معتقد است که آمریکا خصوصا" سنا از آن پشتیبانی می کند و هر موقعیتی و هر موضعی را اتخاذ کند این پشتیبانی ادامه خواهد داشت. سیرافزود که من تصور می کنم این شیوه تفکر از همه شیوه‌های دیگر ناراحت کننده تر است زیرا من هرگز احتمال شروع مذاکرات را تا زمانی که اسرائیلیها تصور می کنند که ما در اختیار آنها هستیم پیش بینی نمی کنم (۳۸).

بحث مربوط به اسرائیل در آمریکا فقط به سنا محدود نمی شود زیرا سازمانهای صهیونیستی متعددی در ایالات متحده وجود دارد که فعالیتهای خود را برای سازگار کردن سیاست خارجی آمریکا با حفظ منافع اسرائیلیها ادامه می دهند. با استفاده از نفوذ این سازمانها دکتر ویلیام وکسلر رئیس کنفرانس مدیران سازمانهای عمده کلیمی

های آمریکا و رئیس بنای بریت B'nai B'rit در مصاحبه‌ای که در آن هنگام به عمل آورد ، گفت من نمی‌توانم ناظر هیچ گونه تغییر اساسی در سیاست خارجی آمریکا که به ضرر اسرائیل تمام شود باشم . اکنون که به انتخابات نزدیک می‌شویم من نمی‌توانم تغییر در سیاست خارجی را قبول کنم . " دکتر وکسلر اضافه کرد که بالاتر از هر چیز من خدا را شکر می‌کنم که شش میلیون کلیمی آمریکائی که در تعیین سیاست آمریکا بسیار مؤثرند آنچه را که ما لازم داریم انجام خواهند داد (۴۲) .

متن قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت

شورای امنیت نگرانی دائمی خود را نسبت به وضعیت ناآرام خاورمیانه اعلام می‌دارد . شورا تاکید می‌کند که تصاحب سرزمینها با توسل به جنگ غیر قانونی است و خواهان تلاش برای برقراری یک صلح عادلانه و دائمی است ، صلحی که بر اساس آن هر یک از کشورهای منطقه به داشتن امنیت اطمینان خواهد داشت .

شورای امنیت همچنین اکیداً اعلام می‌دارد که کلیه کشورهای عضو که منشور سازمان ملل متحد را پذیرفته‌اند متعهدند که مطابق ماده ۲ منشور عمل کنند .

۱ - شورای امنیت اعلام می‌دارد که اجرای اصول منشور منوط است به برقراری یک صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه که بایستی در اصل زیرین را در بر داشته باشد .

الف - عقب نشینی نیروهای مسلح اسرائیل از سرزمینهای که در برخورد اخیر اشغال کرده‌اند .

ب - خاتمه بخشیدن به کلیه ادعاها و اظهارات جنگ طلبانه و محترم شمردن و شناختن حاکمیت تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر یک از ممالک منطقه و احترام بحق زندگی آنها در شرایط صلح در محدوده‌های شناخته شده که مورد تهدید و اعمال زور نباشند .

۲ - شورا همچنین لزوم موارد زیر را اعلام می‌دارد :

- الف- تضمین آزادی کشتیرانی در آبراههای بین‌المللی منطقه.
- ب - رسیدن به راه حل عادلانه برای مسئله آوارگان .
- ج - تضمین ثبات ارضی و استقلال سیاسی هر یک از ممالک منطقه به کمک راههای مختلف از جمله ایجاد مناطق غیر نظامی .
- ۳ - شورا از دبیر کل می‌خواهد که نماینده ویژه‌ای برای برقراری تماس بین کشورهای منطقه به خاورمیانه اعزام دارد. هدف این تماسها تلاش برای رسیدن به صلح و حصول توافق طرفین مطابق پیشنهادات و اصول قطعنامه می‌باشد .
- ۴ - شورا از دبیرکل می‌خواهد که پیشرفتهای و نتایج کار نماینده ویژه خودرا هر چه زودتر به شورای امنیت گزارش کند .

یادداشت‌ها

- ۱ - در میان دول عرب نظریات گوناگونی در مورد اسرائیل وجود دارد . در هر حال در این مقاله اصطلاح " اعراب " به کشورهای که در مذاکرات یارینگ شرکت داشتند یعنی جمهوری متحده عرب و اردن اتلاق می‌شود .
- ۲ - برای متن کامل قطعنامه به ضمیمه مراجعه شود

- 3-Security Council (S.C.), 22nd yr., mtg. 1381, Nov. 20, 1967, p. 27.
- 4-S.C., 22nd yr., mtg. 1379, Nov. 16, 1967, p. 11.
- 5-S.C., 22nd yr., mtg. 1381, Nov. 20, 1967, p. 21.
- 6-S.C., 22nd yr., mtg. 1382, Nov. 22, 1967, p. 28.
- 7-Ibid., p. 51.
- 8-Ibid.
- 9-Ibid., pp. 48-50.
- 10-S.C., 22nd yr., mtg. 1382, Nov. 22, 1967, p. 31.
- 11-Ibid., p. 32.
- 12-Department of State Bulletin, Vol. LXII, No. 1593, January 5, 1970, p. 9.

ویلیام راجرز وزیر امور خارجه آمریکا همچنین اظهار داشت که عقب نشینی لزوماً از امکان برقراری مرزهای بی‌ثبات جلوگیری نمی‌کند .

- ۱۳ - در رد نظریه ژوزف سیسکو کلمه " مذاکره " در متن قطعنامه نیامده است. به ضمیمه مراجعه شود.
- 14-General Assembly Official Records, mtg. 1567, September 26, 1967, p. 47.
- 15-The London Times, October 3, 1970.
- 16-S.C., 22nd yr., mtg. 1382, Nov. 22, 1967, pp. 58-60.
- 17-The New York Times, November 20, 1970.
- 18-S.C., 22nd yr., mtg. 1381, Nov. 20, 1967, p. 31.
- 19-Jerusalem Post Weekly, March 23, 1971.
- 20-Raymond Aron, "What Is a Theory of International Relations?" Journal of International Affairs. Vol. XXI, No. 2, p. 195.
- 21-Samuel L. Sharp, "Security and Threatmanship," America's World Role in the 70's. ed. Abdul A. Said (Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall, 1970), p. 30.
- 22-Ibid., p. 31.
- 23-Atlantic Monthly, (January 1969), pp. 83-84.
- 24-The Saturday Review, April 3, 1971, p. 14.
- ۲۵- برای تجزیه و تحلیل بیشتر قطعنامه ۲۴۲ مراجعه کنید به: Cherif Bassiouni "The Middle-East in Transition: From War to War-The Ill-fated Resolution 242 of 1967." The Arab World, September, 1969, and Eugene V. Rostow, "Legal Aspects of the Search for Peace in the Middle East." American Journal of International Law, September, 1970.
- 26-Jerusalem Post Weekly, March 23, 1971.
- 27-The Saturday Review, op. cit.
- 28-The New York Times, March 20, 1971.
- 29-Newsweek, March 29, 1971, p. 37.
- 30-Jerusalem Post Weekly, March 16, 1971.
- ۳۱ - نقل شده بوسیله Ian Gilmour در The London Times, June 25, 1969, p. 13.
- 32-The New York Times, November 20, 1970.
- 33-Jerusalem Post Weekly, March 23, 1971.
- 34-The New York Times, March 20, 1971.
- ۳۵- جهت متن ذکر شده رجوع کنید به: Congressional Record-Senate, Tuesday, March 23, 1971, vol. 117, No 41, pp. 53518-26
- 36-Congressional Record. op. cit., p. 53521.

37-Ibid., p. 53519.

38-Ibid., p. 53522.

39-Dept. of State Bulletin, Vol. LXII, No. 1602, March 9, 1970. "U.S. Foreign Policy For the 1970's. A New Strategy For Peace." A report to the Congress by Richard Nixon, Feb. 18, 1970.



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز تحقیقات و پژوهش‌ها در زمینه‌های مختلف علوم انسانی